بررسی شرکت‌های دانش‌بنیان در گفت‌وگو با مدیر هماهنگی صنعت و دانش معاونت علمی رئیس جمهوری

«بیزینس‌من»های تکنولوژیک به بازار می آیند

پول درآوردن از دانش؛ علم بهتر است یا ثروت، هر دو خوبند

عکس: امیر جدیدی

علی اکبرزاده
شهروند

تغییر چهره تجارت و گسترش نقش علم در تولید ثروت، آن هم در فضای بین‌المللی موجب شده است تا دولت‌ها در روند بهینه‌سازی شرکت‌هایشان اهتمام بیشتری به پیوند صنعت و دانشگاه داشته باشند. به عبارتی نقش علم در تولید ثروت موضوعی است که در مقطع زمانی کنونی برای تمام کشورها اهمیت یافته است. بی‌شک سرآمد این جریان در آسیا، کشور ژاپن است که توانسته از مرز پیوند علم و صنعت گذر کند و تنها به تولید علم روی آورد. روند تولید علم در این کشور به قدری پرشتاب پی گرفته شده است که در چندسال اخیر سیاستمداران و تصمیم‌گیران ژاپنی تولید کالا را برای کشورشان بهینه نمی‌دیدند و این شاید دلیلی بود بر تولید و صدور علم در ژاپن. فارغ از این مثال باید اشاره کرد که ایجاد پیوند میان علم و صنعت یک شاهراه اصلی دارد که همانا تأسیس شرکت‌هایی است که با پایه دانشی کار خود را آغاز می‌کنند و با ترکیبی متفاوت از دیگر شرکت‌های تجاری و بنگاه‌های اقتصادی فعالیت‌شان را از سر می‌گیرند. تولد یک شرکت است که می‌تواند با تعیین اهداف و ساختاری دانش‌بنیان آغازی باشد بر تولید ثروت از مسیر علم برای درک بهتر از چگونگی ساختار شرکت‌های دانش‌بنیان و مقوله استارت آپ‌ها با دکتر «مهدی الیاسی» به گفت‌وگو نشستیم. او که اکنون مدیرکل دفتر هماهنگی صنعت، دانش و بازار معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری است، امید زیادی به شرکت‌های دانش‌بنیان دارد. او معتقد است که سرآغاز تزریق علم به صحنه تجارت با تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان شکل می‌گیرد. در این میان تنها این نگرانی وجود دارد که شرکت‌هایی بر پایه علوم دانش باید ترکیب موسسان را طوری تعریف کنند که مشکلات بازار و فروش را نیز رعایت کرده تا در عرضه محصول و بازاریابی نیز موفق عمل کنند. گفت‌وگوی ما با مهدی الیاسی را در ادامه بخوانید.

در ابتدای بحث توضیح دهید اساسا شرکت‌های دانش‌بنیان چه شرکت‌هایی هستند و چه ملاک‌هایی برای شناخت چنین شرکت‌هایی وجود دارد؟

تفاوت شرکت‌های دانش‌بنیان با دیگر بنگاه‌های اقتصادی از یک دوره گذار ایجاد می‌شود. برای درک بهتر این مفهوم باید اشاره کرد که از دو دهه گذشته اندک اندک سهم تکنولوژی در اقتصاد کشورها بالا رفته است. در این جا این پرسش مطرح می‌شود که ارزش افزوده بالا در اقتصاد چگونه ایجاد می‌شود؟ پاسخ اینجاست که شکاف میان درآمد سرانه و ارزش افزوده ایجاد شده دقیقا همان سهم اقتصاد دانش‌بنیان است که در فناوری‌های سخت و قدری هم در بخش خدمات تبلور پیدا می‌کند. در این بین اما فهرمان اقتصاد دانش‌بنیان همین شرکت‌ها هستند. به همان میزانی که ارزش افزوده این شرکت‌ها افزایش یابد اقتصاد کشور نیز قدرتمندتر می‌شود. برای مثال سنگی که از معادن کشور ما استخراج می‌شود و بعد از صادرات به کشورهای دیگر با ۱۰ برابر ارزش افزوده به کشور خودمان بازمی‌گردد، به همین موضوع ارزش افزوده اشاره دارد.

به نظر می‌رسد منظور شما در مورد تفاوت بنگاه‌های عادی اقتصادی با شرکت‌های دانش‌بنیان، تفاوت آنها در ایجاد ارزش افزوده و پر کردن شکاف میان این شاخص و درآمد سرانه باشد؟

دقیقا همین‌طور است. به عبارتی دیگر، اقتصاد تابع شرکت‌هاست، اما در بحث ارزش افزوده دارای طبقه‌بندی‌هایی می‌شود. در بحث شرکت‌های دانش‌بنیان هم منظور ما شرکت‌هایی است که می‌توانند ارزش افزوده بالاتری ایجاد کنند و تمام برنامه‌های کشور باید حول این شرکت‌ها جمع شود. اما در بحث معرفی آنها شرکت‌های دانش‌بنیان دو شاخص اصلی دارند که یکی موضوع کسب و کار است و دیگری این که نوع فعالیت آنها با چه نوع انسانی جلو می‌رود و در واقع به بحث سرمایه انسانی اشاره می‌کند. درخصوص معرفی این شرکت‌ها برآساس لیست منتشره از سوی معاونت علمی و فناوری قریب به اتفاق این شرکت‌ها در حوزه فناوری‌های پیشرفته، بحث نیتروالکتریک‌ها و موضوعاتی که نیازمند دانش فنی هستند، فعالیت دارند.

موضوع فعالیت و سرمایه انسانی شرکت‌ها ملاک کافی برای شناسایی یک شرکت دانش‌بنیان هستند؟

درحقیقت شرکتی دانش‌بنیان است که علاوه بر موضوع فعالیتش، جنس فعالیت‌هایش نیز در میان حلقه‌های دانش‌بنیان باشد و تنها به صرف این که شرکتی واردات کالای دانش‌بنیان را انجام دهد نمی‌توان آن را در میان شرکت‌های دانش‌بنیان دسته‌بندی کرد. افزون بر این سهم نیروی انسانی متخصص و فرهیخته در شرکت‌های دانش‌بنیان بالاست و حدودا بالای ۵۰ درصد شرکت را شامل می‌شود. در آخر هم جنس فعالیت‌هایشان است که باید ارتباط مستقیمی با موضوعات دانش‌بنیان داشته باشد.

میزان دارایی و درآمد این شرکت‌ها چه نقشی در تقسیم‌بندی‌شان دارد؟

در ابتدای بحث توضیح دادیم که شرکت‌ها در کارگروه تأیید صلاحیت شرکت‌های دانش‌بنیان سه موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد، اینجا این که باید دید میزان درآمد این شرکت‌ها از فعالیت‌های دانش‌بنیان چقدر است؟ در مرحله دوم تحقیق می‌شود که نوع فعالیت و سرمایه انسانی آنها چطور شکل گرفته و در آخر این که میزان سرمایه‌گذاری آنها در بحث تحقیق و توسعه در چه حدی است؟ البته این موضوع نیز بسیار مهم است که ترکیب نیروی انسانی شرکت‌های دانش‌بنیان چه ترکیبی است و سطح تحصیلات و نوع مهارت‌های آنها چگونه است. در مجموع تمام این فعالیت‌ها باید به انجام فعالیت‌های «های تک» یا فناوری‌های پیشرفته منجر شود.

گذشته از موضوع ماهیت شرکت‌های دانش‌بنیان، به نظر شما پیوند میان آنها با بازار برای رسیدن به مقصود نهایی‌شان که همان تولید ثروت و کسب سود است باید چگونه و از چه مسیری تحقق پیدا کند؟

در واقع زمانی این شرکت‌ها باعث افزایش سرمایه ملی و درآمد سرانه خواهند شد که پیوند میان آنها و بازار برقرار شده باشد؛ هدف اصلی و اولیه در این راه هم شکل‌گیری شرکت‌هاست. اگر ما آنها را در اقتصاد شریک کنیم، می‌توانیم میزان‌شان را اندازه‌گیری کنیم. در این زمینه مناطق ویژه و پارک‌های علم و فناوری فعالیت‌های خوبی داشته‌اند اما متاسفانه تعداد افرادی که از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند و به دنبال راه‌اندازی کسب و کار شخصی می‌روند، بسیار پایین است. در حالی که همه افراد علاقه دارند تا پس از اتمام تحصیلات در یک شرکت استخدام شوند. این در حالی است که فارغ‌التحصیلان باید در مراکز علمی و پارک‌های فناوری حضور یابند. بخش دیگر افرادی هستند که در شرکت‌ها مشغول فعالیت می‌شوند ولی بعد از مدتی افکارشان برای کار کارمندی جوابگو نیست و ظرفیت بالاتری پیدا می‌کنند؛ این گروه اگر افراد مستقلی باشند، می‌توانند ارزش نفر - ساعت خود را بالاتر ببرند و با تأسیس شرکت در این حوزه نقش بسزایی داشته باشند. اما چنانچه دیده می‌شود، برخی که ریسک‌پذیرتر هستند بیرون می‌آیند و شرکت خودشان را تأسیس می‌کنند و برخی هم به اشتغال در شرکت‌های دیگر روی می‌آورند. در چندسال گذشته با شکل‌گرفتن قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان اتفاقات خوبی در این مسیر افتاده است و مهم این است که این قانون قوام و دوام پیدا کند و شرکت‌هایی با این موضوع و جنس فعالیت بتوانند ضمن کمک‌های دولتی به حیات‌شان ادامه دهند.

شما به‌عنوان یک مقام مسئول که افزون بر دفتر صنعت، دانش و بازار معاونت علمی رئیس جمهوری در کارگروه تعیین صلاحیت این شرکت‌ها نیز فعالیت دارید برای رفع موانع موجود چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

تاکنون ۱۳۰۰ شرکت را تأیید صلاحیت کرده‌ایم و تقریبا به همین میزان هم در صف تأیید صلاحیت هستند. البته تمرکز اصلی ما، تزریق افراد و سرمایه‌گذار به این نوع شرکت‌هاست تا بتوانیم به واسطه این امر ترکیب این شرکت‌ها را اصلاح کنیم. چنانچه اکنون دیده می‌شود، شرکت‌های دانش‌بنیان بیشتر از آن که شرکت باشند، دانش‌بنیان شده‌اند و توجه کمتری به حوزه فروش محصول، بازاریابی و جذب سرمایه‌گذار داشته‌اند. ما در کارگروه تعیین صلاحیت ایده‌های آنان را بررسی می‌کنیم. دقت می‌شود تا ماهیت این کار دانشی است یا خیر و این که پتانسیل کسب و کار را در خود دارد؟ البته افرادی که وارد پارک‌های علم و فناوری می‌شوند یک بار مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تسهیلات دولتی هم شامل شان شده است. اما تسهیلات زمانی کمک می‌کند که بقیه عوامل موردنیاز نیز موجود باشد. یکی از این عوامل شبکه‌سازی است که در حال حاضر در آن مشکلات بسیاری داریم. به عبارتی باید بتوان تحمل صبر در این شرکت‌ها تقویت شود. در کنار این ترکیب، حاضرین باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند و در کنار افراد فنی باید «بیزنس‌من»ها یا بازارشناس‌ها هم حضور داشته باشند. در این زمینه خاطرات «استیو جابز» نشان می‌دهد او فردی مارکتینگ و بازاری بوده و در کنار او هم یک فرد دانشی بوده که خیلی زود هم سهامش را واگذار کرد. در مراحل بعد یک نفر دیگر هم متخصص در بخش مالی به آنها اضافه شد. این نشان می‌دهد که بنیانگذارها باید این سه ضلع مالی، دانشی و مارکتینگ با بازاری را مورد توجه قرار دهند. البته ما نیز تسهیلات خوبی را برای شرکت‌ها در نظر گرفته‌ایم ولی تسهیلات یکی از راه‌های تأمین مالی است و فرابورس هم در این راستا فعالیت‌هایی را آغاز کرده است.

آنگونه که از صحبت‌های شما برمی‌آید، بزرگترین مشکل شرکت‌های دانش‌بنیان بحث فروش محصول و تولید ثروت است که به دلیل ترکیب نامناسب نیروی انسانی در این شرکت‌ها نتوانسته به خوبی ظهور کند. چه پیشنهادی برای پر کردن شکاف میان اعضای بنیانگذار این شرکت‌ها دارید؟

اکنون تمام بحث در رابطه با این شرکت‌ها طرف عرضه است. در حالی که ۷۰ درصد موضوع راجع به طرف تقاضاست. شرکت‌های دانش‌بنیان در دنیا برای فروش تأسیس می‌شوند و شرکت‌های بزرگ باید بازارشان باشند. برای مثال شرکت گوگل با چندصد شرکت دیگر ادغام یا آنها را خریداری کرده تا به این مرحله رسیده و تبدیل به یک شرکت بزرگ شده است. همه شرکت‌هایی که جنبه دانشی دارند باید واحد تحقیق و توسعه شرکت‌های بزرگ باشند. شرکت‌های دانش‌بنیان مسیر میانبری برای شرکت‌های بزرگ هستند، تنها باید مدنظر آنها پیوند برقرار شود. در واقع دانش‌بنیان‌ها باید بدنه نوآوری شرکت‌های بزرگ را تشکیل دهند.

الگوی اروپایی و غربی شرکت‌های دانش‌بنیان چه مسیری را نشان می‌دهد. این را از آن جهت مطرح می‌کنم که مسیر تولید علم و توسعه یافتگی در این کشورها پیش از کشور ما پیموده شده است؟

هم‌اکنون در دنیا بخش مهمی از ارتباط صنعت و دانشگاه برعهده شرکت‌های دانش‌بنیان است. دانشگاه به‌عنوان هویت آموزشی نمی‌تواند مسائل صنعت را حل کند. فقط در پروژه‌های پژوهشی قدری کمک می‌کند و مسائل کلان‌تر را به شرکت‌های دانش‌بنیان می‌سپارند. ما باید شرایط را طوری مهیا کنیم که افراد علمی علاقه‌مندی بیشتری به تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان نشان دهند. آنها باید با اقتصاد همراه شوند و بتوانند از این چاله خود را بیرون بیاورند بدیهی است که در این مسیر ریزش‌هایی هم وجود دارد.

سوال بعدی در مورد مواجهه اقتصاد سنتی با اقتصاد دانش‌بنیان است. به نظر شما، شکاف موجود میان شرکت‌هایی که به طریقه سنتی اداره شده‌اند و شرکت‌های دانش‌بنیان که بر پایه علم روز پیش می‌روند موجب نخواهد شد تا شرکت‌های دانشی برای اثبات نقش و جایگاه خود با شکلاتی روبه‌رو شوند؟

در مجموع همه اینها مقدماتی است تا به ارزش افزوده اقتصادی برسیم. ما اگر ۵ هزار شرکت دانش‌بنیان هم داشته باشیم باز اقتصاد دانش‌بنیان‌مان ایجاد نخواهد شد. ما نسبت به دیگر کشورها سرمایه و ابزار ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان را داریم. تقریبا بعد از انقلاب بود که موضوع علم و فناوری در کشور اهمیت پیدا کرد. یک دورانی بحث پژوهش بود و بعد متوجه شدیم که علم کفایت نمی‌کند؛ پس از آن بود که موضوع فناوری هم مطرح شد. سپس متوجه شدیم که راه کاربردی کردن فناوری ایجاد شرکت است. پارک‌های علم و فناوری بیش از ۱۰ سال است که فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان هم چندسالی می‌شود که تصویب شده اما نباید انتظار داشت که تمام مشکلات به واسطه این قوانین حل شود. در حال حاضر ما یک پله جلوتر از این هستیم که فقط دانشجو داشته باشیم و سرمایه ما به سرمایه فناوری تبدیل شده است. ما به اندازه‌ای که در مسیر شکل‌گیری سرمایه دانشی جلو رفته‌ایم در مسیر پیاده‌سازی این مفهوم جلو نرفته‌ایم؛ شرکت یعنی چرخه اقتصادی، یعنی این محصول دانش‌بنیان در بازار به پول تبدیل شود. این جا صحبت از بیزینس و بازار است و افراد اهل کسب و کار باید وارد میدان شوند.

به نظر شما همان افرادی که در این شرکت‌ها تولید علم کرده‌اند، می‌توانند علم را تبدیل به پول کنند؟

درحال حاضر این شرکت‌ها باید آن قدر بالغ شوند تا بتوانند «بیزینس‌من تکنولوژیک» (بازاری فناوری) شوند. در شرکت‌های دانش‌بنیان ترکیب بنیان‌گذاران بسیار مهم است. سهم افراد دانشی در این شرکت‌ها بالاست و بسیاری از آنان دنبال مکانیزم‌های جذب سرمایه نیستند که این امر منتهی به شکست‌شان خواهد شد. جذب سرمایه راه‌های مختلفی دارد که درهمین زمینه ما در شرکت‌های دانش‌بنیان تسهیلات را راحت‌تر اهدا می‌کنیم. باید تسهیلات به شرکت‌هایی داده شود که بازگشت سرمایه دارند و می‌توانند در چرخه این صندوق و اختصاص منابع به دیگران کمک کنند.

چه پیشنهادی برای پیشرفت این شرکت‌ها دارید؟

مهمترین اتفاق این است که شرکت‌های دانش‌بنیان باید بارگیری کنند. این مسأله بزرگی است که آنها چه شرکایی دارند. یکی از دلایل مهم آن، نگرانی افراد است که می‌ترسند سرمایه علمی‌شان به باد برود. آنها باید توجه کنند که بلوغ بنیان‌گذاران رعایت شود. در همه جای دنیا این شرکت‌ها با دونوع ترکیب بنیان‌گذاران روبه‌رو هستند؛ یکی افرادی که متخصص مارکتینگ هستند و می‌توانند بیزینس کنند و گروه دیگر کسانی که سرمایه می‌آورند، زیرا در این فضا نمی‌توان تنها به روی وام و تسهیلات شرکت حساب کرد.

بارگیری شرکت‌های دانش‌بنیان چطور ممکن است؟

این مفهوم در راستای برنامه‌های توسعه کارآفرینی مورد نظر قرار می‌گیرد. اعضای شرکت در بازار هدف و سیستم خود را باید با برنامه‌ریزی جلو ببرند؛ زیرا دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان تنها بخشی از کار است. اکنون در کشورهای مختلف جهان بخشی از سرمایه صرف فعالیت‌های مخاطره‌پذیر می‌شود، اصل کار خوبی که در نمایشگاه شرکت‌های دانش‌بنیان انجام شد رویارویی با سرمایه‌گذاران بود. از یک طرف شرکت‌ها و از طرف دیگر، سرمایه‌گذاران و فرابورس و شرکت‌های تأمین مالی که حاضرند در پروژه‌های مختلف سرمایه‌گذاری کنند. آمدند. بازده پروژه‌های دانش‌بنیان بالاست و برخی از آنها بالای صددرصد بازدهی دارند، البته از آن طرف ریسک بالایی نیز دارند. یکی از کارهای ما این است که موجب شویم افراد سرمایه‌گذار به سیستم شرکت‌های دانش‌بنیان تزریق شوند. باید به نیروهای علمی و دانشگاهی که به شرکت‌های دانش‌بنیان پیوسته‌اند، آموزش دهیم تا چگونه ترکیب خود را تغییر داده و سرمایه‌گذار نیز جذب کنند.

ساختار این شرکت‌ها از لحاظ سرمایه باید چطور باشد؟

اکنون با وثایق خیلی سبک تسهیلات سنگینی به این شرکت‌ها اختصاص پیدا می‌کند. صندوق حمایت از طرح‌های دانش‌بنیان تا ۳۰۰ میلیون تومان وام می‌دهد اما حمایت‌های تسهیلاتی باید به گونه‌ای باشد که به گروه‌های خاص تعلق پیدا کند؛ در مجموع باید در کارگروه تأیید صلاحیت‌ها بررسی شوند و یکی از ملاک‌ها هم استقرار در پارک‌های فناوری است.

به نظر شما اکنون چه معضلاتی دامنگیر شرکت‌های دانش‌بنیان است؟

مشکل این است که شرکت‌های دانش‌بنیان لزوما در مسائل دانشی که این روزها باب شده است شرکت نمی‌کنند. همان‌طور که می‌دانید استفاده ترکیبی از «لوتک»، «مدیوم تک»، «های تک» یا فناوری پایین، متوسط و بالاست، از طرفی ۱۵ درصد اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته صنایع «های تک» است که این میزان در کشور ما با واردات تأمین می‌شود. برای مثال ما تعداد زیادی شرکت فرش در ایران داریم ولی در صنعت فرش ما وارد کننده علم هستیم. برهمین اساس تنوع‌بخشی به مدل کسب و کار شرکت‌های دانش‌بنیان موضوع بسیار مهمی است.

چه پیشنهادی برای مشارکت بیشتر این شرکت‌ها در اقتصاد دارید؟

در این شرایط بخشی از این شرکت‌ها به صنایع هوایی و فضایی وصل می‌شوند و درصد بالایی باید به کسب و کارهایی که در ایران مزیت نسبی دارند وصل شوند. متلا صنعت کاشی، نساجی و فولاد که همه آنها به دانش نانو احتیاج دارند یا تمام شرکت‌های صنعتی ما مشکل پسابند؛ بنابراین شرکت‌های دانش‌بنیان باید در این زنجیره قرار گیرد و نیاز شرکت‌های صنعتی و تجاری را حل کند. شرکت‌های دانش‌بنیان از زندگی روزمره ما جدا نیستند.

ارزیابی شرکت‌های دانش‌بنیان توسط سیستم دولتی انجام می‌گیرد؟

برای ارزیابی این شرکت‌ها یک کارگروه تشخیص صلاحیت پیش‌بینی شده که رئیس جمهوری، رئیس آن را منصوب می‌کند. هم‌اکنون معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری، ریاست این کارگروه را برعهده دارد و در آن چند وزارتخانه مرتبط با موضوع علم و فناوری نیز حضور دارند. البته چند تقاضا از وزارتخانه‌های دیگر هم برای پیوستن به ترکیب این کارگروه داریم. اما شبکه ارزیاب‌ها توسط ۳۰ شرکت خصوصی که خودشان هم تأیید صلاحیت شده‌اند، صورت می‌گیرد. اما در مجموع این شرکت‌های خصوصی به‌نده ارزیابی‌ها را انجام می‌دهند.

نظرتان در مورد استارت آپ‌ها یا فعالیت‌های جدید و نوپا و فراگیری آنها در اقتصاد چیست؟

درواقع استارت آپ‌ها شرکت‌های نوپایی هستند و خیلی از آنها هم در بخش خدمات شکل می‌گیرند، البته همه استارت آپ‌ها هم دانشی نیستند. بخش اعظمی از آنها که بر پایه دانش فعالیت می‌کنند از دانشگاه‌ها شروع می‌شوند. درواقع برای این نوع فعالیت ۳ مسیر اصلی وجود دارد که شامل دانشگاه‌ها، مراکز علمی و افراد دانشگاهی که می‌خواهند کسب و کار داشتی راه‌اندازی کنند، می‌شود. معاونت علمی رئیس جمهوری هم با برنامه‌های شتاب‌بخشی خود ضریب مهارت‌های کارآفرینی را بالا می‌برد. یک مسیر هم خود صنایع هستند که افراد در آن جا مشغول فعالیت‌اند در کنار این یک شاهراه هم افراد فارغ‌التحصیلی محسوب می‌شوند که یک مدت در شرکت‌های مختلف کار می‌کنند و بعد فعالیت‌های شخصی خود را آغاز می‌کنند که این هم منجر به استارت آپ و شروع یک فعالیت نوپا خواهد شد.

> **۱۳۰۰ شرکت دانش‌بنیان تأیید صلاحیت شدند**
>
> **شرکت‌های دانش‌بنیان بیش از آنچه شرکت باشند دانش‌بنیان هستند**
>
> **ژن تقویت صبر در شرکت‌های دانشی تقویت شود**
>
> **شرکت‌های دانش‌بنیان باید یارگیری کنند**
>
> **این شرکت‌ها باید واحد تحقیق و توسعه شرکت‌های بزرگ باشند**
>
> **شرکت‌های دانش‌بنیان به ترکیب بنیانگذاران‌شان بیشتر توجه کنند**

نگاه صنعت و تولید به منابع مالی بانک‌ها

مجید سلیمی بروجنی
کارشناس اقتصادی

اقتصاد ایران همیشه به عنوان یک اقتصاد بانک محور شناخته می‌شده و به جهت نبود سازوکارهای مناسب در بورس اوراق بهادار، تامین مالی بخش تولید از این منظر غیرقابل اجراست. ولیکن بانک‌های ایران هم به واسطه یک دهه تحمیل بخشنامه و نرخ‌های دستوری بانکی که معمولا نامناسب با نرخ تورم بوده، روی به فعالیت‌های جانبی آورده و ترجیح دادند به صنعتگر و تولیدکننده‌هایی که به دلیل شرایط رکودزده توان بازپرداخت بدهی خود را ندارند، تسهیلات ندهند و منابع را در جای پرسودتری مثل بازار مسکن به گردش درآورند. بانک‌ها مدعی‌اند که تخریب و دستکاری ساختارهای اقتصادی و شرایط نامساعد تسهیلات تکلیفی در سال‌های گذشته، توان تسهیلات‌دهی را از آنها گرفته است. در آن سوی میدان نیز تولیدکنندگان می‌گویند ۹۰ درصد فعالیت‌شان وابسته به پول بانک‌هاست و در شرایط رکود، نمی‌توانند بدون تزریق منابع ارزانقیمت، به حیات خود ادامه دهند. دولت تدبیر و امید چندی پیش از بسته ضدرکود خود رونمایی کرد، ولیکن هنوز جزئیات برنامه‌های دولت برای خروج از رکود مشخص نیست. در ایران به جز شبکه بانکی، بازار دیگری برای تامین منابع مالی وجود ندارد اما در عین حال به دلیل نرخ بالای تسهیلات ریالی که عمدتا به دلیل نرخ بالای تورم بوده، تامین منابع مالی لازم برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری که نیاز به ماشین‌آلات و تکنولوژی پیشرفته دارند از منابع صندوق توسعه ملی صورت گرفته است اما نوسان قیمت ارز، مشکلاتی را برای کارآفرینان دریافت‌کننده وام از حساب ذخیره ارزی در زمان بازپرداخت تسهیلات از سال ۱۳۹۱ به‌وجود آورد و موجب شد تمایل به سرمایه‌گذاری در میان کارآفرینان خصوصی کاهش یابد. شاهد این مدعا هم روند نزولی رشد اقتصادی کشور است. مشکل بزرگی که در میان سیاست‌گذاران اقتصادی ایران به چشم می‌خورد، استفاده‌نکردن از تجربیاتی است که همواره می‌تواند چراغ راه آینده باشد. در طول ۵ دهه‌ای که صنعت و تولید در کشور کلید خورد، نگاه دولتی توام با حمایت و امتیازات ویژه به تولید نبوده است.

به نظر می‌رسد بهترین راهکاری که می‌توان از تجربیات گذشته کشورهای پیشرفته به آن دست یافت، همین حمایت دولتی از صنایع و واحدهای تولیدی باشد که روزهای سختی را در رکود فعلی سپری می‌کند. آن هم در شرایطی که با گذشت چهار سال از زمان اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها، دست بخش تولید از یارانه‌هایی که از محل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی به‌دست آمده خالی مانده و در این یک مورد حتی به قانون هم عمل نشده است. حمایت‌های دولتی از بخش تولید به بهانه لزوم خروج دولت از بخش‌های اقتصادی و نبود بودجه به دلیل کاهش درآمدهای نفتی مطرح می‌شود اما در سال‌های گذشته که بزرگترین منابع پولی به‌واسطه افزایش قیمت نفت در ایران به‌دست آمد چه اتفاقی افتاد. پول‌ها صرف واردات شد، اما صرف تولید نکردیم. ما تنها یک‌سال است که منابع و درآمدهای نفتی‌مان کاهش پیدا کرده است. بنابراین آنچه نیاز است تغییر در سیاست‌های قفل منابع است.

در این میان به نظر می‌رسد دولت نیز می‌تواند با ارایه راهکارهای موثر، تولید را بالا ببرد. در شرایط فعلی نزدیک‌ترین منبع دریافت مالیات، تولید است و در این مواقع بقه تولید بشرد، اما با توجه به اینکه تولید در رکود شدیدی به سر می‌برد و نرخ سود تسهیلات نیز تا ۲۲ درصد بالاتر رفته، تولید به صرفه نیست. این در حالی است که وقتی تولید، سودآور نیست، بانک‌ها نیز وامی به تولید نمی‌دهند. شاید بتوان خوشبین بود که اگر لایحه رفع موانع تولید به تصویب برسد، فشار تقاضا بر شبکه بانکی کاهش پیدا کند و با افزایش تولید، دولت هم بتواند مالیات بیشتری را برای افزایش درآمد خود جذب کند.